هنر نقاشی در دوران دفاع مقدس

بهزاد محبی*

چکیده:

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ه.ش. منجر به تغییراتی اساسی در بیشتر زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و...در جامعه‌ی ایرانی شد که به تبع آن جریان‌های هنری نیز تحت تأثیر این نگرش قرار گرفتند. این حرکت با آغاز جنگ تحمیلی از سوی عراق شکل تازه‌ای به خود گرفت و هنرمندان جوانی پا به عرصه گذاشتند که امروزه آن‌ها را با نام "هنرمندان انقلاب"می‌شناسیم؛ این هنرمندان با خلق آثاری در رابطه با جنگ تلاش می‌نمودند تا ابعاد مختلف این فضا را که اینک با عنوان "دفاع مقدس" در ذهن تاریخ به ثبت رسیده است به معرض نمایش بگذارند.

در تاریخ هنر انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس دارای تأثیرگذاری بیشتری در هنرهای تجسمی ایران می‌باشد که در این میان نقاشی توانست به عنوان یک جریان پویا نقش مهمی را در جهت ترویج اهداف انقلابی بر عهده گیرد. نقاشان انقلابی پابه‌پای سایر قشرهای مختلف در جبهه‌ها حاضر شدند و با به تصویر درآوردن ابعاد مختلف جنگ، نقش تبلیغی مهمی را عهده‌دار شدند. آن‌ها ضمن منتقل‌کردن رنگ و بوم خود به جبهه‌ها، با حضور مستقیم در صحنه‌ی جنگ، روش‌هایی چون واقع‌گرایی، نمادگرایی و واقع‌گرایی ذهنی را برای ارائه‌ی مضامین انقلابی و جنگی انتخاب نمودند.

نقاشی دوران دفاع مقدس را بایستی یکی از دوره‌های درخشان این هنر در تاریخ انقلاب اسلامی ایران دانست، چرا که این هنر، با نگرشی استادانه از فضای معنوی دوران جنگ در قالب ذوق و سلیقه‌ی هنرمندان متجلی شد. در این مقاله جنبه‌های مختلف نقاشی جنگ مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نقاشی انقلاب، دفاع مقدس، نقاشان جنگ، نمادهای تصویری

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییراتی که در مسایل مختلف جامعه‌ی ایرانی رخ داد، مقوله هنر نیز دچار تغییرات اساسی گردید. نقاشی نیز از این تحول تأثیر بسیار گرفت که آثار خلق شده در دوران انقلاب مشخص‌کننده‌ی این دگرگونی می‌باشند.

در این دوران شرایطی به وجود آمد که بسیاری از هنرمندان بر اساس روش‌های هنر روز، عناصر هنر ایرانی و فضای معنوی هم‌سو با فرهنگ اسلامی، آثار بدیعی در عرصه‌های مختلف هنری به وجود آوردند(خزایی،۱۳۸۵،ص۴). پژوهش‌گران، مهم‌ترین ویژگی نقاشی دهه‌ی اول انقلاب را حضور مفاهیم مذهبی، صحنه‌های انقلاب و دفاع مقدس برشمرده‌اند.

نکته‌ای که انقلاب اسلامی ایران را از سایر انقلاب‌های دنیا متمایز

*کارشناس ارشد نقاشی، دانشگاه تهران

می‌کند وجه دینی آن است. چنان چه ملاحظه خواهد شد مضمون و محتوای آثار، مربوط به جامعه‌ی انقلابی ایران است. هنر در دوران پس از انقلاب، چه دیداری و چه نوشتاری، سراسر متأثر از پدیده‌ی انقلاب و تحولات به وجود آمده‌ی پس از آن گشت و در بیشتر تابلوها، نشانه‌های مذهبی مانند ایثار، شهادت، نور و.... به تصویر درآمدند.

با آغاز جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعثی عراق، نقاشی نیز به مثابه سایر هنرها، وارد عرصه‌ی جدیدی شد. به تصویر کشیدن باورهای اسلامی و آن چه که در جنگ اتفاق می‌افتاد بیان خاصی را می‌طلبید و هر کدام از نقاشان سعی داشتند تا قالب مناسبی برای این بیان پیدا کنند. به این ترتیب، نقاشان مسلمان انقلابی نیز با بیان‌کردن مفاهیم دینی و انقلابی روند جدیدی از نوع هنر را عنوان کردند(گودرزی،۱۳۸۵،ص۱۹۰).

در این جستار کوتاه، تلاش می‌شود تا ضمن اشاره بر جنبه‌هایی از روند شکل‌گیری نقاشی دفاع مقدس، ویژگی‌های خاص این آثار نیز مورد بررسی قرار گیرد.

نقاشی در آغاز انقلاب اسلامی

ظهور انقلاب باعث شکل‌گیری جریانی شد که تاثیر شگرفی بر عقیده و آثار بسیاری از هنرمندان گذاشت. این تأثیر، نه تنها در آثار هنرمندان پس از انقلاب، بلکه بر هنرمندانی که پیش از آن نیز به آفرینش هنری پرداخته بودند، نمایان شد و به این شکل، با ظهور انقلاب، آثار این دسته از هنرمندان، حال و هوایی تازه و معنوی یافت؛ و هر هنرمند، در هر موقعیتی، به یک ارزیابی مجدد در رابطه با آثار خویش پرداخت(کلانتری،۱۳۷۳،ص۸).

نقاشی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با برپایی نمایشگاهی در بیستم فروردین ماه۱۳۵۸ ه.ش. در حسینیه‌ی ارشاد شکل گرفت. در این نمایشگاه هنرمندانی چون، حبیب الله صادقی، کاظم چلیپا، حسین خسروجردی، حسین صدری، محمد علی رجبی، ناصر پلنگی و چند تن دیگر شرکت داشتند.(گودرزی،۱۳۸۵،ص۱۸۶).

با تشکیل مرکز «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» این حرکت شکل تازه‌ای به خود گرفت و در سال‌های بعد، نقاشان جوان دیگری هم‌چون مصطفی گودرزی، علی وزیریان، مصطفی ندرلو، غلامعلی طاهری، مرتضی اسدی و حمید قدیریان به این گروه پیوستند که امروزه بیشتر این نقاشان را با عنوان "نقاشان انقلاب" می‌شناسیم. اکثر نقاشانی که در این مرکز گرد آمده بودند، با داشتن انگیزه‌های انقلابی، سعی در رواج دادن نقاشی انقلابی در میان عامه مردم داشتند.

"هنر انقلاب اسلامی به عنوان یک مکتب هنری در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ریشه گرفت. از حسینیه‌ها و مساجد به عنوان خاستگاه اولیه، از منابع دینی و مذهبی و سیاسی به عنوان منابع مضمونی اولیه تا مفاهیم و موضوعات خاص انقلاب و جنگ تحمیلی که به طور مشخص از سال ۵۷–۶۰ ه.ش. به این سو در قلمرو هنر ظاهر شد"(رهنورد،۱۳۷۲،ص۳۰).

تعدادی از نقاشی‌های اوایل انقلاب جنبه‌ی شعاری داشتند و بیشتر از ارزش محتوایی برخوردار بودند. اما آثاری که در سال‌های بعد خلق شدند، دارای مضمونی پخته‌تر و جنبه‌های تصویری قوی گشتند که با

تصویر ۱: همسنگران قدس ـ اثر حسین خسروجردی

گذشت زمان، آثار از هر حیث، روند عمیق‌تر و تکنیکی‌تری در پیش گرفتند. بنابراین این قبیل آثار متأخر، از یک فضای عینی صرف فاصله گرفته و تکنیک یا سبک کار بر مضمون غالب می‌شود.

به تصویر کشیدن آن چه در حال اتفاق افتادن بود، بیان خاصی را می‌طلبید که هر کدام از هنرمندان، بنا بر گرایش خاص هنری خود، روش و تکنیکی را برای بیان این مضامین برگزیدند. به طور کلی این گرایش‌های مختلف را می‌توان بر سه روش دسته بندی کرد: واقع‌گرایی(رئالیسم)، نمادگرایی(سمبلیسم)، و واقع‌گرایی ذهنی(سوبژکتیو رئالیسم) (طبسی؛ انصاری،۱۳۸۵،ص۹۰).

اما شرایط فرهنگی انقلاب، توسعه دهنده‌ی هنری اغلب نمادگرا و تمثیلی بود. در بعد از انقلاب، رجعتی به نگاه تجریدی و نمادین هنرمند ایرانی در اعصار گذشته شد، که همواره در طول تاریخ با صورت‌های گوناگونی در آثار هنری متجلی شده است؛ بسیاری از نقاشان انقلاب از این مفاهیم عمیق بهره گرفته و جلوه‌هایی از آن را در آثار هنری خویش، در قالب عناصری نمادین به ثبت رسانده‌اند (خزایی،۱۳۸۴،ص۳).

نقاش انقلاب تنها به دنبال زیبایی ظاهری نبود، چرا که باید حقیقت آن چه را که در شرف وقوع بود، به تصویر می‌کشید. رسیدن خالصانه به این مهم، نیاز به شکل‌گیری اتفاقات هنری در قلب و درون هنرمند داشت و او می‌دانست تا انقلاب اصلی در درونش اتفاق نیفتاده باشد به شناخت لازم دست پیدا نخواهد کرد. این‌چنین، او از جهتی در ارتباط با آسمان و عوالم قدسی و از سوی دیگر، در رابطه با مسایل عینی و اجتماعی بود.

نقاشان انقلابی موفق شدند درونیات خود را در شرایط آن زمان مطرح کنند، اما باید در نظر داشت که فرهنگ، مقوله‌ای‌است که در یک فرآیند زمانی شکل می‌گیرد و چنان نبود که به محض پیروزی انقلاب، نقاشی انقلاب نیز شکل بگیرد. انقلاب اسلامی، مانند یک روند رو به تحول و رشد، در نقاشی اثر گذاشت و بعد از آن، نقاشی انقلاب از درون آن تحول زاده شد. در انقلاب اسلامی ایران، چنان‌چه گفته شد، بعد از یک فرایند زمانی، نقاشی در مسیری حقیقی‌تر نسبت به اوایل انقلاب قرار گرفت و محتوا و تکنیک مناسبی را برای ارائه پیدا کرد.

نقاشی دوران دفاع مقدس

با آغاز جنگ تحمیلی، همه‌ی آحاد ملت ایران برای دفاع از کشور خود به پا خواستند که بر خلاف سایر جنگ‌های مرسوم دنیا بود؛ این جنگ دفاع مقدسی از خاک و مال و جان و ناموس بود؛ و چنان‌چه می‌دانیم، هنگامی که جنگ به صورت دفاعی آرمانی در می‌آید، دیگر جنبه‌ی خشونت‌آمیز ندارد، بلکه پدیده‌ی اجتماعی است که با ابزارهای گوناگون هنری، ماندگاری تاریخی می‌یابد.

"در انقلاب اسلامی و جنگ، هنر نقاشی نسبت به سایر هنرها پیشرو بوده است، ضمن اینکه نقاشان اول جنگ که دانشگاهی نبوده‌اند. نقاشان کوچه و خیابان بودند و خیلی طول کشید تا زمانی که نمایشگاه معروف حسینیه ارشاد برپا شد و هنرمندان انقلاب در یک جا آثارشان را ارائه کردند" (رجبی،۱۳۸۴،ص۳).

جنگ و دفاع مقدس انگیزه‌ای برای بروز خلاقیت‌هایی شد که تا آن زمان در ایران تجربه نشده بود. هنرمندان نیز مانند سایر مردم در این میدان حضور یافتند و به خلق آثار هنری در این زمینه پرداختند.

"هنر دوره‌ی جنگ هم پیرو حرکتی بود که از اول انقلاب شکل گرفت، با این تفاوت که در این زمان هنرمندان بیشتری، از جمله هنرمندان آکادمیک به این جریان روی آوردند. در این دوره نقاشی در کنار سایر هنرها، اتفاقات جبهه‌های جنگ را به جامعه منتقل کرده و مسئولیت تبلیغات در شرایط بحرانی جنگ را بر عهده داشت" (کفشچیان مقدم؛ رویان، ۱۳۸۷،ص۱۰۷).

آثار نقاشی با موضوع جنگ از دووجه قابل ارزیابی هستند؛ بخش اول، صورت روایی که صحنه‌هایی از شجاعت‌های رزمندگان و بستگان آن‌ها را به تصویر درآورده و وجه دوم، نشان دهنده‌ی جلوه‌های باطنی جنگ است.

در حالت نخست، زیبایی و غم و اندوه به چنان ترکیبی با هم رسیده‌اند که موجب همراهی بیننده می‌شود و آنان را برای حضور در جبهه‌های جنگ ترغیب می‌کند. جمع این دو خصیصه در یک اثر هنری نشانه‌ای از درجه‌ی والای آن است که این گروه از نقاشی‌های جنگ موفق به کسب چنین موفقیتی شده‌اند.

اما در صورت دوم، درون و حقیقت جنگ تصویر می‌گردد؛ باطنی زیبا که با چشم سر نمی‌توان به وادی آن راه پیدا کرد و تنها با چشم دل است که می‌توان قدم در این عرصه گذاشت.

نیاز هنر و هنرمند جنگ، تلاش برای زنده نگه داشتن ابعاد وجودی و عمق باور مبارزان مسلمان ایرانی و منش آنهاست. این هنرمندان، بیشتر به سوی آفرینش آثار هنری به صورت نمادین و سمبلیک گرایش پیدا کردند و همانطور که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین دلیل تجریدی و نمادین کار کردن هنرمندان ایرانی توجه به ارزش‌های درونی و نیز خواسته عمیق هنرمند برای بیان کردن ذات مفاهیم به کمک تصویر است؛ چیزی که می‌بایست در ورای طبیعت صرف آن را جست‌وجو کرد و به کمک تصویر، چنان پیام‌هایی را ارایه داد(خزایی،۱۳۸۴ ص۴).

در آثار نقاشی‌های جنگ، حضور تصاویر و عنصر خیال در مقابل عناصر واقع‌گرا، تا حد زیادی باعث نزدیک شدن به فضای ماورائی شده است.

" روایت در جنگ به مفاهیم حقیقی تبدیل می‌شود یا آن‌چه که هنرمندی تصور می‌کند بیان هنر حقیقی است. به همین دلیل آثار هنری جنگ ما به شدت نمادین است و هنرمند از روایت‌گری مستقیم به طور ناخودآگاه پرهیز کرده است. چرا؟ چون باور هنرمند مادی نیست و سعی کرده براساس باور دینی خود یا به هر حال باور غیر مادی خود مفهوم مبارزه را در فضای نقاشی نشان دهد و عناصری را در اثر خود تعریف کند تا به بیان آن حقیقت دست پیدا کند، زیرا با خود می‌اندیشد که روایت‌گری صرف نمی‌تواند حق مطلب را بیان کند و در واقع روایت‌گری یک عکاسی عین به عین از موضوع است و محکوم به مرگ. بنابراین مفهوم سازی می‌کند چون می‌داند که «مفهوم» ماندگار است. کما اینکه روایت عاشورا این‌گونه است. نقاشان و هنرمندان ایرانی از بیان‌گری صریح پرهیز کردند و به نماد پردازی روی آوردند. در نقاشی جنگ هنرمندان ما صحنه‌های خونین وجود ندارد، این ویژگی مهمی است"(گودرزی(دیباج)، ۱۳۸۴).

نقاش جنگ زمانی که قصد دارد شهادت شهیدی را به تصویر درآورد، در اثرش با او شهید می‌شود که آن شهید نیز در سلسله‌ی شهیدان ماقبل خویش به مقام شهادت رسیده است. این سلسله هم‌چنان ادامه دارد تا به صحنه عالی شهادت در کربلا برسد؛ این همان صورت نمادین نقاشی‌های جنگ است که هنرمند با تعمق معنوی به آن دست پیدا می کند. این نوع نگرش که آمیخته با روح نقاش بود، در واقع بازتاب احساسات فردی وی به شمار می‌رفت.

از دیگر مواردی که در طی جنگ پدید آمد، تصاویر شهدا بود که به صورت نقاشی روی بوم یا روی دیوار ترسیم می‌شد و در دوران قبل از آن وجود نداشت. در نظر برخی از پژوهشگران، این اتفاق تازه و منحصر به فردی بود که در هیچ جای دیگر چنین چیزی رخ نداده است؛ نقاشی دیواری با ابعاد بسیار بزرگ از جنگ و قهرمانان آن بوجود آمده‌اند، اما این‌که صورت‌های خیلی مشخص و با هویت معلوم در سطح بسیار بزرگ روی دیوارها کار بشود و سبب شود آن‌هایی که جنگ را ندیده و لمس نکرده‌اند، در بین این تصاویر زندگی کنند، اتفاق هنری پسندیده‌ای است که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد (آغداشلو،۱۳۷۸،ص۴).

از آن‌جا که زیبایی لازمه هنر است، در هنر انقلاب و نقاشی جنگ نیز شهادت، زیباترین مضمون شد و هنرمندان برای درک این حقیقت، بدان تمسک جستند. این زیبایی در جلوه‌های مختلف و به صورت‌های متفاوت، به نمایش درآمد.

جنگ باعث تحرک جدی در عرصه‌ی نقاشی شد که حوزه‌های گوناگون نقاشی "واقع‌گرا" و "فرا واقع‌گرا" را در برگرفت. تجربه‌های سورئالیستی نیز در این زمینه انجام گرفت. از این دست، چهره «مادر- وطن» در کنار شهیدان، بیشترین توجه نقاشان را برانگیخت. در این آثار بود که برای اولین بار در نقاشی فیگوراتیو، کم‌کم گرایش به کشف مختصات چهره و استخوان‌بندی ایرانی ظاهر شد. دفاع مقدس، زمینه‌ی مناسب و بستر حقیقی‌ای بود که سیمای مردان ایرانی در متن نقاشی به حالتی از شجاعت و ایمان و نور پدیدار گردد(سینا،۱۳۸۱،ص۲۸).

رهبر فرزانه‌ی انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای آن چه که از هنرمندان دفاع مقدس انتظار می‌رفته را این‌گونه بیان فرموده‌اند:

"من غالب این آثار هنری جنگ را یا دیدم یا شنیدم، قطعاً چیزهای با ارزش در بین این‌ها وجود دارد لیکن همه این‌ها در مقابل آن گنجینه‌ی عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله‌ی ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است. همه‌ی جنگ، داخل جبهه‌ها نیست، بسیاری از مسایل جنگ، داخل خانه‌هاست، توی راه‌هاست، دو قطب بزرگ دنیای آن روز – یعنی قطب آمریکا و قطب شوروی سابق– مشترکاً با همه‌ی ساز و برگ‌شان به کمک عراق آمدند آن‌ها کجا و در کدام یک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است"(سخنرانی آیت الله خامنه‌ای درجمع هنرمندان، ۱۳۷۹)

این سخنان خود می‌تواند نشان دهنده‌ی مواردی باشد که از هنرمندان جنگ انتظار می‌رفته تا در آثار خود به آن‌ها بپردازند.

نگاهی به چند نقاشی دوران جنگ

در اغلب آثار اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی حضور نمادها و نشانه‌ها

تصویر ۲ـ امدادهای غیبی ـ اثر عبدالحمید قدیریان

به صورت بارزی مشاهده می‌گردد. این نمادها نشانی از خیر و شَر را همراه خود دارند که به این شکل سمبلیک، قصد دارند مفاهیم را به مخاطب منتقل کنند. تکرار این نمادها سبب شده که در اثر مرور زمان، تبدیل به علایم شناخته شده‌ای از خیر یا شَر شوند؛ دشت قرمز، نشانه‌ی خون شهید است، رنگ سبز و سفید نشانه پاکی و نشانگر خیر. گروه سربازان جبهه حق، و گل سرخ نشانه شهادت و دسته رنگ‌های تیره، نمایانگر گروه شَر می‌باشند.

در تمامی آثار مربوط به جنگ، چهره‌های مصمم و استوار و رنج

دیده‌ای ترسیم شده‌اند که قاطعانه قصد دارند در مقابل ظالم بایستند و در مقابل‌شان افرادی با چهره‌های مشوش و ترسان مربوط به گروه باطل جای دارند. تمامی این نمادها سعی در به نمایش گذاشتن پیروزی حق بر باطل می‌نمایند؛ گروه حقی که در مقام دفاع از جان و ناموس و سرزمین‌شان به جنگ آمده‌اند که عین جهاد است و گروه باطلی که به قصد تجاوز و سلطه جویی به جنگ پرداخته‌اند و به یقین شکست خواهند خورد.

در اثری از حسین خسروجردی، تمام نمادها، یک‌جا به کار گرفته شده‌اند (تصویر شماره‌ی ۱). این اثر ترکیبی است از قهرمانانی چون روحانی، زن، پاسدار و بچه‌ای که به انقلاب پیوسته است. یک دست باز و یک دست بسته‌ی روحانی که اشاره به سمت جلو دارد، می‌تواند سمبلی از هدایت با خود داشته باشد. حضور رزمنده‌ای که کتابی را در بغل گرفته(که احتمالاً نمادی از قرآن کریم است) و اسلحه‌ای به دست دیگر دارد،– که در بالای اسلحه، ترسیم پرنده سمبلی از صلح طلبی رزمندگان اسلام است، – نمایانگر حالت پرصلابت و مقتدر اوست. حضور فردی پابرهنه در این تصویر، نشان‌گر قشر مستضعف می‌باشد که در دست خود پارچه‌ای سبز رنگ بسته و با انگشت، اشاره به سمت بالا، یعنی مقام خداوند که در همه حال متوجه بندگان خویش است، دارد. زنی که در پوشش چادر، با یک دست بچه‌ای را در بغل گرفته و در دست دیگر گل سرخی دارد، در حقیقت، نشانی از شهادت طلبی را با خود حمل می‌کند؛ در اینجا، گل سرخ نشانی از شهادت می‌باشد که زن مومن اسلامی، آن را همواره با خود دارد. این زن نمونه‌ای است از مادرانی که با اشتیاق، فرزندان خود را تقدیم دین و کشور می‌کنند. به این شکل نمادین، مادرانی که در فرهنگ دینی، به خصوص اسلامی، واجد بالاترین مقام هستند، نماینده و پاسدار فرهنگ انقلاب و شهادت به تصویر درآمده‌اند.

تمامی افراد به تصویر کشیده شده در این تابلو، نشانی از مقاومت و حرکت به جلو و ایستادگی را با خود دارند و می‌توان دو وجه را در آنان مشاهده کرد؛ سختی و آمادگی، دفاع در مقابل دشمن، صلح جویی و نرمی در مقابل حق و اینکه اینان حاضرند تمام زندگی خود را در این راه اهداء کنند.

در تابلوی "امدادهای غیبی"، اثر عبدالحمید قدیریان، حضور عناصر نمادین به صورت محسوسی مشاهده می‌گردد(تصویر شماره‌ی ۲)؛ طرف باطل، با صاعقه‌ای از آسمان در حال نابود شدن هستند و گروه حق که از دور پیدا شده‌اند، در بستری از رنگ آبی و با پرچم سبز رنگی در پیشاپیش خود، به سمت دشمن حرکت می‌کنند. رنگ سبز (هر چند دارای گستره کم) در اینجا، رشته‌ی پیوند رنگ‌های سرد و گرم، نماد دانش و ایمان و به ویژه در آداب مذهبی ایران، نشانه‌ی امید و انتظار نجات و نیز نماد عرفان است. این رنگ هم‌چنین، نماد سرزندگی جهان و بهشت نیز قلمداد می‌گردد.

تابلوی فوق، می‌تواند نشانه‌ای از آیات قرآن کریم، در رابطه با حمایت خداوند از گروه حق باشد:

"ای اهل ایمان بیاد آرید نعمتی را که خدا به شما عطا کرد وقتی لشکر بسیاری از کافران بر ضد شما جمع شدند پس ما به مدد و یاری شما باد تند و سپاه بسیار(از فرشتگان) که به‌چشم نمی‌دیدید فرستادیم و خدا خود به اعمال شما آگاه بود"(احزاب، آیه‌ی۹).

نکته قابل اهمیت دیگر این است که در اغلب آثار این دوران، توجه ویژه‌ای به آسمان، به عنوان محل عروج یا امدادهای الهی شده است:

"رمز آسمان در هنر مذهبی از گذشته‌های دور تا امروز وجود داشته است. در هنر و ادبیات انقلاب اسلامی نیز آسمان به عنوان مضمونی دینی مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. در آثار نقاشان جنگ آسمان محل قراردادن سمبل‌های تصویری مذهبی، محل تابش نور معنویت و نیز نشانی از عروج استفاده شده است"(رهنورد،۱۳۸۴،ص۷۰).

آسمان برخلاف انسان و فضای حیاتش، بی‌انتهاست؛ مشاهده آسمان، برانگیزاننده‌ی تجربه مذهبی است که همراه با کشف و شهود می‌باشد(کامرانی،۱۳۷۹،ص۲۶۲).

در این اثر، گروه دشمن با رنگ‌های تیره ترسیم شده‌اند و امکانات جنگی زیادی در اطراف آنها مشاهده می‌شود، اما هم چنان که از عنوان این تابلو بر می‌آید امدادهای غیبی همیشه با گروه حق می‌باشد.

در تابلویی دیگر که اثری است از مصطفی گودرزی، جوانی را می‌بینیم که در دشتی پر از گل، پا برهنه، با سربندی قرمز و دست‌هایی خالی، در حالی ایستاده است که تنها چند نارنجک در کمر خود دارد. دشت پر گلی که او در روی آن استوار ایستاده، رو به سمت جلو، قرمزی بیشتری به خود می‌گیرد.(تصویر شماره‌ی ۳)

در روبه‌روی او ردیف تانک‌های دشمن در شمار

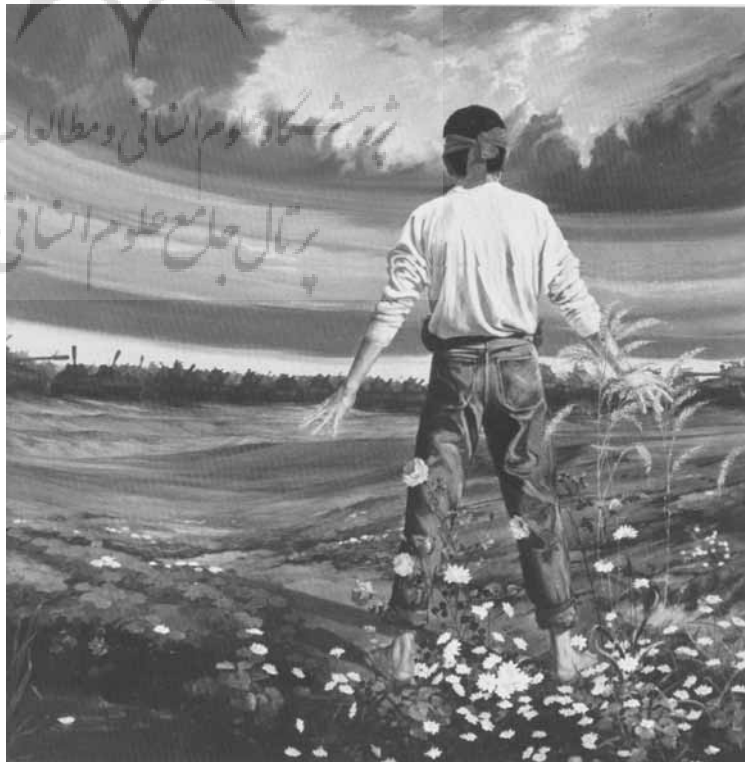

تصویر ۳ـ مقاومت ـ اثر مصطفی گودرزی

زیادی دیده می شود. این تابلو با عنوان "مقاومت"، شهید حسین فهمیده را مد نظر خود قرار داده است. حضور عناصر روشن و سبز در این طرف جبهه(طرف حق) و عناصر تیره در طرف دیگر(جبهه باطل)، ذهن را به سمت تصاویر تابلوهای عاشورا هدایت می‌کند؛ کم تعداد بودن یاران امام حسین(ع) در مقابل لشکر بی‌شمار گروه دشمن. این اثر را می‌توان در ردیف آثار رئالیسم ذهنی قرار داد.

نتیجه‌گیری

بعد از انقلاب، عده‌ای از جوان‌هائی که در انقلاب شعار می‌دادند و تظاهرات می‌کردند، نقاش هم بودند. آن‌ها سعی کردند طی انقلاب به رسالت خود عمل کنند و به عبارتی، شعارها و ایده‌آل‌های مردم را به تصویر بکشند.

با شروع جنگ تحمیلی، مسئولیت نقاشان انقلاب برای به تصویر کشاندن حماسه‌های پی‌درپی دلاورمردان صحنه‌های دفاع مقدس بیشتر شد و در شرایطی که جنگ و انقلاب عواطف و احساسات را به دنبال خود می‌کشید، هنرمندان نیز به عنوان افرادی متعهد و با احساس درگیر این فضا شدند.

نکته‌ی قابل تأمل دیگر این است که نقاشان جنگ در آثار خود به دنبال نشان دادن ظاهر خشونت آمیز جنگ نبوده‌اند بلکه هدف‌شان به تصویر در آوردن روح متعالی بوده است که انسان‌های عاشق پیدا کرده بودند؛ آن چه او در نقاشی یک شهید قصد بیانش را دارد، نشان‌دادن حالت‌های روحانی و معنوی‌ای است که با زبان هنر توانسته آن را به صورت زیبایی بیان کند.

از دیگر ویژگی‌های نقاشی‌های دوران جنگ، منعکس کردن حال و هوای آن دوران است و حتی می‌شود گفت در آن دوران، هنر، با آمدن به میان مردم، آثار شگرفی خلق کرد که از حیث محتوا و ارزش معنوی، جایگاه رفیعی دارند و توانسته‌اند در میان مردم، ضمن نشان دادن کارکردهای خود، مقاومت و ایستادگی را در برابر متجاوزان نمایان، و مقام بلند شهدا و ایثارگران را جلوه‌گر سازند.

جنگ از دیدگاه‌های مختلف در نگاه نقاشان ایران مورد دقت و توجه قرار گرفته است. چه آن‌ها که نگاهی به ظاهر جنگ داشته‌اند و چه آن‌ها که باطن آن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ در مجموع، همه‌ی آثار، توان نقاشی ایران را در برخورد با پدیده جنگ نشان می‌دهد. این نقاشی‌ها عموماً نشان دهنده‌ی ایثار و فداکاری و ایمان ملتی را در برابر جنگی ناخواسته هستند که در هیچ‌کدام زشتی و تلخی وجود ندارد و هریک از زیبایی خوشایند و محزونی سخن می‌گویند. در این میان، آن دسته از آثاری که دور از سفارشات و تنها با تکیه بر باورهای نقاشان خلق شده است، توجه برانگیزتر می‌باشد.

حافظه‌ی تاریخ، نقش‌های ماندگار دلاورمردان عرصه‌ی دفاع مقدس را در خود ثبت کرده است؛ تصویر مردان شجاعی که مدافعان فضیلت‌های بزرگ بودند. این رزم آوران به مفاهیمی هم‌چون ایثار و جانبازی معانی تازه‌ای دادند و هنر نقاشی توانست گوشه‌های زیبایی از هنرنمایی آن "هنرمندان فرزانه[1]" را به یادگار بگذارد؛ استقلال، حریت و پایداری انقلاب اسلامی از سرخی خون آنان است. یادشان همیشه با ما و راهشان روشن باد.

پی نوشت :

۱ – امام خمینی(ره) شهیدان را دردستخط اهدائیشان به هنرمندان انقلاب، با این تعبیر نام برده‌اند.

منابع:

کتب

رهنورد، زهرا (۱۳۸۴)، حکمت هنر اسلامی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران.

شریف احمدی، محمد(۱۳۸۴)، جستاری در هنر دینی، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا وسیما، تهران.

گودرزی(دیباج)، مرتضی(۱۳۸۰)، جست‌وجوی هویت در نقاشی معاصر ایران، علمی‌و فرهنگی، تهران.

مقالات

آغداشلو، آیدین؛خسروجردی، حسین و دیگران(۱۳۷۸)، تأثیر جنگ بر نقاشی معاصر ایران، فصلنامه‌ی طاووس، شماره‌ی دوم،ص۱–۶

آوینی، مرتضی(۱۳۶۸)، جنگ در آینه مصفای نقاشی متعهد، ماهنامه‌ی سوره، دوره‌ی اول، شماره‌ی۱، ص۴.

پورمند، حسن علی(۱۳۸۵)، قبله ام یک گل سرخ،کتاب ماه هنر، شماره‌ی۹۶–۹۵، ص۹–۱۰..

خزایی، محمد(۱۳۸۴)، نمادگرایی در پوسترهای هشت سال دفاع مقدس، هم اندیشی هنر و دفاع مقدس، تهران.

خزایی، محمد(۱۳۸۵)، هنرحماسه عرفانی، کتاب ماه هنر، شماره‌ی۹۶–۹۵، ص۲۰–۲۱.

رجبی، محمد علی(۱۳۸۴)، نقش هنرهای تجسمی به عنوان هنر پیشرو، هم اندیشی هنر و دفاع مقدس،تهران.

رهنورد، زهرا (۱۳۷۲)، مکتب هنر انقلاب، هنر معاصر، شماره‌ی ۲، ص ۲۸–۳۱.

سینا، محمد(۱۳۸۱)، هنر دفاع مقدس؛ هنر آشتی با مردم، پگاه حوزه، شماره‌ی ۷۱، ص۲۸.

طبسی، محسن؛ انصاری، مجتبی(۱۳۸۵)، بررسی محتوا و شکل، در نقاشی دهه‌ی اول انقلاب اسلامی، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۷، ص۹۰.

علوی، اسماعیل(۱۳۸۰)، جلوه‌ای از هنر قدسی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۲۰۷۱.

کامرانی، بهنام(۱۳۷۹)، رمز شناسی نقاشی‌های معراج، مقالات سایه طوبی، موزه‌ی هنرهای معاصر، ص۲۶۲.

کفشچیان مقدم، اصغر؛ رویان، سمیرا(۱۳۸۷)، بررسی دیوارنگاری معاصر تهران، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۳، ص۱۰۷–۱۰۶.

کلانتری، پرویز؛ و دیگران(۱۳۷۳)، در فراز و نشیب تحول یا بحران، هنر معاصر، شماره‌ی ۴، ص۸–۱۱.

گودرزی(دیباج)، مرتضی(۱۳۸۴)، تجلی ایدئولوژی روی بوم، روزنامه‌ی شرق.

گودرزی، مصطفی(۱۳۷۳)، چهره جدید تناقض، هنر معاصر، شماره‌ی ۵–۶، ص ۵۲–۴۸.

منصوری نژاد، احمد(۱۳۸۷)، خلق آثار هنری لازمه نشر ارزش‌های دفاع مقدس، روزنامه‌ی خراسان، شماره‌ی ۱۶۹۵۹، ص ۱۰.

سخنرانی

سخنرانی حضرت آیت الله خامنه‌ای در جمع هنرمندان (۱۳۷۹)، مجله‌ی هنر دینی، شماره‌ی ۵،ص۱.